

## عوامل رقابت جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی

جهانبخش صادقی<sup>۱</sup>

### چکیده مطالب

پژوهش حاضر به منظور تفکیک انگیزه‌ها و عوامل رقابت‌جویی به‌روشنی روان‌سنجی، صورت گرفته است. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر (سن ۱۸-۱۴) دبیرستان‌های دولتی شهر تهران به تعداد مساوی از هر دو جنس به‌روش تصادفی انتخاب شدند. نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه رقابت‌جویی فرانکن (۱۹۹۵) در هر دو گروه، به‌صورت مجزا مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. در استخراج عامل‌ها از روش مؤلفه‌های اصلی، و در چرخش عامل‌ها از روش‌های متعامد و متمایل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی مجزا، به استخراج و چرخش هفت عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ در گروه پسران، و شش عامل در گروه دختران منجر شد. در گروه پسران سه عامل، و در گروه دختران چهار عامل، قابل تفسیر و معنادار تشخیص داده شدند. دو گروه در دو عامل از عامل‌های به‌دست آمده مشترک و مشابه‌اند، که این عامل‌ها تحت عناوین «اشتیاق به برنده شدن» و «انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت» نام‌گذاری شده‌اند. بین عامل اخیر و پیشرفت تحصیلی، در هر دو گروه، همبستگی مثبت معنادار (پسران  $P < 0/01$  و دختران  $P < 0/05$ ) وجود داشت. اما، بین عامل مربوط به «اشتیاق به برنده شدن» و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود نداشت. در گروه پسران عامل دیگری با نام «خشنودی ناشی از عمل کردن به‌نحو احسن»، و در گروه دختران دو عامل دیگر تحت عناوین «خشنودی ناشی از حصول بهبود در عملکرد» و «ترجیح دادن تکالیف دشوار» به‌دست آمد. بنابراین، از نظر تشکیل عوامل رقابت‌جویی، بین دو گروه برخی تفاوت‌ها و شباهت‌ها مشاهده شد. در مجموع، نتایج به‌دست آمده مؤید یافته‌های پژوهش‌های گذشته در مورد عوامل رقابت‌جویی است.

واژگان کلیدی: رقابت‌جویی، انگیزه، عامل، تحلیل عاملی، پیشرفت تحصیلی

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه افسری امام علی<sup>(ع)</sup>

#### مقدمه

رفتارهای انسان و تعامل‌های او با دیگران ممکن است در سه حالت، همکاری<sup>۱</sup>، رقابت<sup>۲</sup> و فردگرایی<sup>۳</sup> صورت گیرند. در موقعیت‌های همکاری، دستیابی افراد به اهدافشان با یکدیگر همبستگی مثبت دارد. در این‌گونه شرایط، به سود فرد است که موجب تسهیل پیشرفت سایر اعضای گروه شود. در موقعیت‌های فعالیت فردگرایی، دستیابی فرد به هدفش مستقل از دیگران است.

اما، در موقعیت‌های رقابت‌جویی، دستیابی افراد به اهدافشان با یکدیگر همبستگی منفی دارد، یعنی زمانی که یک فرد به هدفش می‌رسد، سایر افرادی که با او در رقابت هستند از رسیدن به اهدافشان باز می‌مانند. در این‌گونه شرایط، فرد سعی می‌کند عملکردش بالاتر از دیگر رقیبان باشد. بسیاری از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که تجارب همکاری بیش از تجارب رقابت‌جویی یا فردگرایی باعث ارتقاء و پیشرفت روابط سودمند و حمایت‌کننده و همچنین تحوّل شناختی و اجتماعی می‌شود (جانسن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۱؛ به نقل از جیمز<sup>۵</sup> و جانسن، ۱۹۸۳).

مید<sup>۶</sup> (به نقل از دویچ<sup>۷</sup>، ۱۹۴۹) در تعریف خود از رقابت، آن را به معنای عمل جستجو یا تلاش برای کسب چیزی که فرد دیگری نیز همزمان در پی به دست آوردن آن است، تعریف می‌کند؛ و دویچ (۱۹۴۹) می‌گوید: رقابت بین دو نفر یا اشخاصی بیش از دو نفر یا گروهی دارای هدف که به‌طور مستقیم با هم متضادند، اتفاق می‌افتد.

با این حال، رقابت را می‌توان به رقابت مستقیم<sup>۸</sup> و رقابت غیرمستقیم<sup>۹</sup> تقسیم کرد.

- 1- Cooperation
- 2- Competition
- 3- Individualism
- 4- Johnson, D. W.
- 5- James, N. L.
- 6- Mead, M.
- 7- Deutsch, M.
- 8- Direct Competition
- 9- Indirect Competition

رقابت مستقیم متضمن مبارزه افراد علیه یکدیگر است، که هر کس سعی می‌کند موفقیت‌های خود را به حداکثر و موفقیت‌های رقیب را به حداقل برساند. در رقابت غیرمستقیم، فرد یا گروه برای حصول عملکرد مطلوب و عالی در مقابل یک معیار غیرشخصی مانند بهترین عملکرد گذشته خود یا هنجارهای عملکردی که تراز توانایی او را نشان می‌دهند، به کوشش و مبارزه می‌پردازد. در این جا، میزان موفقیت فرد بستگی به میزان نزدیک شدن وی به معیار مورد نظر دارد، و مفهوم شکست قدری تعدیل می‌شود. در این نوع رقابت، اگر معیار را عملکرد گذشته فرد قرار دهند، افراد دارای توانایی‌های متفاوت نیز می‌توانند به رقابت بپردازند، چون رقیب فرد خود اوست و در آن صورت کوشش اوست که تعیین‌کننده خواهد بود و بهبود بخشیدن به عملکرد گذشته خود بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

براساس تحقیقات فشباخ<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، کودکان در سنین اولیه تحول بیش از آن‌که رفتارهای رقابتی از خود نشان دهند، رفتارهای مبتنی بر همکاری متقابل و سایر اشکال همکاری را در بازی‌ها و رفتارهای خود به نمایش می‌گذارند. در حدود سن دوسالگی، کودکان احساس همدلی<sup>۲</sup> خود نسبت به افراد دچار ناراحتی را به شکل کلامی متجلی می‌سازند و سعی می‌کنند به آنها کمک کنند. بنابراین، جهت‌یابی طبیعی کودکان از همان سنین اولیه، در مسیر همکاری و همدلی است و این جهت‌یابی، سازش‌یافتگی اجتماعی را تسهیل می‌کند.

اکثر پژوهش‌هایی که در زمینه همکاری صورت گرفته است نشان می‌دهند که موقعیت‌های مبتنی بر همکاری، به‌ویژه در تعلیم و تربیت، آثار مثبت بیشتری در پی دارند. اما، آنچه در خصوص رقابت مطرح شده است حاوی دیدگاه‌های متضاد است. برخی پژوهشگران، مانند کان<sup>۳</sup> (۱۹۸۶)، ضمن نقد دیدگاه‌هایی که در تأیید محاسن رقابت ابراز

1- Feschbach, S.

2- Empathy

3- Kohn, A.

شده‌اند، نکات منفی چندی را که به عقیده وی پیامد رقابت‌جویی است متذکر می‌شود. این محقق در ردّ اجتناب‌ناپذیر بودن رقابت توضیح می‌دهد که کودکان، و به‌ویژه پسران، از طریق اجتماعی شدن می‌آموزند که با دیگران به رقابت بپردازند و می‌توان از طریق مهار موقعیت‌هایی که باعث رونق و تشدید آن می‌شوند، آن را کاهش داد یا از بین برد. در مورد لذت‌بخش بودن آن نیز معتقد است هرچند رقابت ممکن است به ایجاد هیجان موقت در افراد منجر شود اما، پیامدهای منفی آن در آینده استمرار خواهند یافت، یعنی احساس حرمت - خود<sup>۱</sup> در افراد بازنده پایین می‌آید، برندگان دچار تکبر و خودستایی می‌شوند، و استرس<sup>۲</sup>، احساس ناایمنی و اضطراب در افراد درگیر بروز می‌کند و خشونت و تقلب افزایش خواهد یافت.

در تحقیقی که چن<sup>۳</sup> و لم<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در خصوص رابطه بین رقابت و کارآمدی<sup>۵</sup> در یادگیری جانشینی در دانش‌آموزان کلاس هفتم هنگ کنگی انجام دادند، نتایج نشان داد که در گروه رقابت‌جویی، وقتی دانش‌آموزان در یادگیری جانشینی مشارکت می‌کردند، خود-کارآمدی آنها کاهش می‌یافت.

در قلمروها و محیط‌های مبتنی بر همکاری، علاقه و توجه اولیه در دستیابی به تبخّر بر موضوع یادگیری متمرکز است؛ یعنی یادگیری به‌خودی خود یک هدف خواهد بود، نه وسیله‌ای برای نمایش صلاحیت و شایستگی. در این صورت، رقابت‌جویی شکل بارزی پیدا می‌کند و نقش تلاش و کوشش بیش از استعداد و توانایی برتر، واجد اهمیت می‌شود. در چنین محیطی همه می‌توانند به موفقیت برسند، چون عامل تعیین‌کننده ارزشیابی، ارتقاء خویشتن<sup>۶</sup> خواهد بود نه بهتر از دیگران عمل کردن (فشباخ، ۱۹۹۱).

- 
- 1- Self-Esteem
  - 2- Stress
  - 3- Chan, J. C. Y.
  - 4- Lam, S-F.
  - 5- Self-Efficacy
  - 6- Self-Improvement

تحقیقات (مدسن، ۱۹۷۱، ۱۹۷۵؛ توماس، ۱۹۷۵؛ مارین، ۱۹۷۵؛ آلوارز، ۱۹۷۹؛ شاپیرا، ۱۹۷۲ و نایت، ۱۹۷۷) نشان می‌دهند که میزان همکاری و رقابت میان کودکان از خرده فرهنگ‌های<sup>۱</sup> مختلف در انجام تکالیف آزمایشی، تفاوت‌های اساسی و قابل توجهی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که تقریباً در همه موارد، کودکان فرهنگ‌های روستایی و بومی در تعامل‌ها و رفتارهای خود با دیگران بیش از کودکان شهری به همکاری می‌پردازند، و رقابت‌جویی کودکان شهری بسیار بیشتر از کودکان روستایی است. همچنین با افزایش سن، میزان رقابت‌جویی کودکان تقریباً در همه فرهنگ‌های مورد مطالعه، به تدریج و به‌طور فزاینده افزایش می‌یابد. بنابراین، نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت که محیط اجتماعی بر شکل‌گیری رفتارهای مبتنی بر همکاری و رقابت، تأثیر قابل توجهی بر افراد دارد. نظام‌های ارزشی فردگرا که بیش از حد بر نیاز به کسب موفقیت شخصی از طریق مبارزات و کوشش‌های رقابت‌جویانه تأکید می‌کنند؛ افرادی بار می‌آورند که دارای نگاه رقابت‌جویانه شدید هستند.

نتایج برخی پژوهش‌ها (دسی، ۱۹۸۵) نشان می‌دهد که محیط‌های رقابتی موجب تضعیف انگیزش درونی<sup>۲</sup> افراد می‌شود، و موقعیت‌های مبتنی بر همکاری باعث افزایش و تقویت آن می‌گردد. به‌نظر دسی، زمانی گفته می‌شود فردی انگیزش درونی برای انجام یک فعالیت را دارد که آن فعالیت را نه برای یک پاداش مشخص، بلکه به خاطر خود فعالیت به‌خودی خود انجام دهد. از سوی دیگر، انگیزش بیرونی<sup>۳</sup> اشاره به شرایطی دارد که فرد فعالیت را به‌منظور دریافت یک پاداش بیرونی انجام می‌دهد.

به عقیده دسی اگر برای انجام تکلیفی که دارای پتانسیل انگیزشی درونی است پاداش بیرونی ارائه شود موجب کاهش انگیزش درونی فرد برای آن فعالیت می‌شود. در تعلیم و تربیت و یادگیری اگر به‌منظور برانگیختن افراد به فعالیت و کوشش بیشتر، از رقابت

---

1- Subcultures  
2- Intrinsic Motivation  
3- Extrinsic Motivation

به‌عنوان یک عامل برانگیزاننده استفاده شود و برای پاداش دادن به افراد برنده از جوایز و پاداش‌های مادی (بیرونی) استفاده شود می‌توان انتظار داشت که این امر نه تنها موجب تضعیف انگیزش پیشرفت<sup>۱</sup> افراد بازنده شود، بلکه ممکن است کاهش انگیزش درونی افراد برنده را نیز در پی داشته باشد. تضعیف انگیزش پیشرفت افراد بازنده به دلیل دریافت پسخوراند<sup>۲</sup> منفی ناشی از شکست است، و کاهش انگیزش درونی افراد برنده نیز به این دلیل است که به فعالیتی که دارای انگیزش درونی است پاداش بیرونی داده شده است. ارائه این‌گونه پاداش‌های بیرونی باعث از بین رفتن رغبت به یادگیری در کودکان می‌شود.

توجه دیگری که در مورد علت تضعیف انگیزش درونی افراد در رقابت ارائه شده است آن است که زمینه و موقعیت رقابت جویی به‌عنوان عاملی مهارکننده، تلقی می‌شود. افراد به این باور می‌رسند که مهار و عزم و اراده خود بر این فرآیند را از دست داده‌اند و احساس می‌کنند که در مسند علیت<sup>۳</sup> جابه‌جایی و تغییر ایجاد شده است. یعنی افراد به‌خاطر خود فعالیت در آن شرکت نمی‌کنند، بلکه به‌خاطر نوعی پاداش بیرونی شرکت می‌کنند. این تبیین، بر چگونگی ارزشیابی شناختی فرد از مسئله تأکید دارد (والراند، ۱۹۸۶).

کنجکاوی یکی از تمایلات بنیادی در کنش‌وری انسان است. تمایل به واری و اکتشاف، فهمیدن و شناختن، با توجه به طبیعت افراد جنبه درونی دارد و یک برانگیزاننده بالقوه فرآیند تعلیم و تربیت است. با این حال، اغلب مشاهده می‌شود که والدین و مسئولان امر تعلیم و تربیت نسبت به انگیزش درونی بی‌توجه‌اند و به تعلیم و تربیت به‌عنوان یک فرآیند بیرونی می‌نگرند؛ یعنی فرآیندی که باید از بیرون به جلو رانده شود؛ و برای فراهم آوردن نیروی محرک و پیش‌برنده تعلیم و تربیت، رقابت را مورد توجه قرار

1-Achievement Motivation

2- Feedback

3- Locus Of Causality

4- Vallerand, R. J.

می‌دهند.

در نتیجه، در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان به‌جای توجه به یادگیری و اهمیت دادن به آن، به نمره می‌اندیشند و طبیعی است مطالبی را خواهند آموخت که در برنده شدن و موفقیت آنها مؤثر است؛ نتیجه آنکه، آموخته‌های آنان سطحی و محدود خواهد بود. علت عمده این امر نیز آن است که در این‌گونه شرایط، افراد به‌منظور کسب جایزه و به قصد برنده شدن و اخذ نمره، در تکالیف شرکت می‌کنند و به نفس فعالیت و لذت ناشی از آن و پرداختن به آن توجه اندکی دارند، بلکه به نتیجه آن (یعنی همان نمره و ...) توجه را معطوف می‌نمایند. این یافته‌ها باید به‌عنوان یک تذکر هشدار دهنده به معلمان و سایر متخصصانی که ممکن است قصد داشته باشند رقابت مستقیم را به‌عنوان یک ابزار انگیزشی در فعالیت‌های کودکان به‌کار برند، در نظر گرفته شود (امابیل، ۱۹۸۲).

در زمینه‌هایی مانند تعلیم و تربیت و یادگیری، افزایش موقت تراز عملکرد افراد، به منزله هدف اصلی محسوب نمی‌شود، بلکه آنچه مورد نظر است افزایش انگیزش درونی آنان برای دوباره پرداختن به آن فعالیت است. در این‌جا اگر از رقابت مستقیم و پاداش‌های بیرونی استفاده شود، شکست دانش‌آموزان باعث خواهد شد که ضمن تنزل احساس حرمت-خود، انگیزش درونی آنان نیز تضعیف شود و تکلیف مورد نظر جذابیت خود را از دست بدهد.

نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده در مورد رقابت (تریپاتی، ۱۹۹۲) نشان می‌دهند که رقابت مستقیم و غیرمستقیم بر انگیزش درونی افراد شرکت‌کننده در رقابت تأثیرات متفاوتی برجای می‌گذارند. رقابت غیرمستقیم ممکن است تا حدودی موجب تقویت انگیزش درونی افراد شود، زیرا با شایستگی فرد سر و کار دارد؛ در حالی که رقابت مستقیم ناشی از تأثیر و نفوذ عوامل بیرونی، ممکن است باعث کاهش انگیزش درونی گردد.

در تحقیق تریپاتی (۱۹۹۲) که به‌منظور بررسی اثر رقابت با افراد در مقابل اثر رقابت

با یک معیار، بر انگیزش درونی و عملکرد آزمودنی‌ها صورت گرفت، نتایج نشان داد که رقابت با دیگر افراد به عملکرد در سطحی بالاتر از رقابت با یک معیار منجر می‌شود. اما، آزمودنی‌هایی که در رقابت با یک معیار بودند تکلیف را مثبت‌تر از افرادی که در رقابت با دیگران بودند، احساس می‌کردند. همچنین نتایج این نکته را برجسته ساخت که رقابت با یک معیار یا رقابت غیرمستقیم، انگیزش درونی بیشتری را برای پرداختن به تکلیف به‌وجود آورده بود.

در پژوهشی که توسط کم و همکاران (۲۰۰۴) در مورد اثرات رقابت بر انگیزش یادگیری در بین دانش‌آموزان چینی انجام شد نتایج نشان داد دانش‌آموزانی که در موقعیت رقابتی بودند در انجام تکالیف آسان نسبت به هم‌تایان خود که در شرایط غیر رقابتی بودند عملکرد بهتری داشتند. اما این افراد بیشتر به نتیجه توجه داشتند و مستعد فدا کردن فرصت‌های یادگیری برای رسیدن به نتیجه بهتر بودند. آنها همچنین مستعد به‌عمل آوردن خود-ارزشیابی‌های بدتری در مورد خود بعد از شکست بودند.

رقابت با دیگران، یک رفتار است و مانند سایر رفتارها دارای علل و انگیزه‌های زیربنایی است. در مورد این‌که چرا افراد به رقابت روی می‌آورند نظریات متعددی ارائه شده است. نیکلز (۱۹۸۹)، به نقل از فرانکن و دیگران، (۱۹۹۵) استدلال کرده است که رفتار مربوط به پیشرفت به‌وسیله دو هدف متفاوت برانگیخته می‌شود: در حالی‌که انگیزه پاره‌ای از افراد، دستیابی به برتری بر دیگران است، انگیزه برخی دیگر بهبود بخشیدن به عملکردشان است. همچنین در مطالعه فرانکن (۱۹۹۵) مشخص شده است که اشتیاق به برنده شدن، یعنی برتری‌جویی و پیروزی بر دیگران و انگیزش برای داشتن عملکرد عالی، عواملی مجزا از یکدیگرند؛ یعنی برخی افراد رقابت‌جو قصد دارند خود را بالاتر از دیگران قرار دهند، در صورتی که هدف بعضی از افراد، تضعیف نتایج دیگران نیست، بلکه هدف بهبود بخشیدن به عملکرد فعلی خویش است.

بنابراین، رقابت از عوامل مختلفی تشکیل شده است و افراد به دلایل و انگیزه‌های



متفاوت مانند تمایل به برنده شدن یا شکست دادن دیگران، رسیدن به نوعی رضایت و خشنودی ناشی از حصول بهبود در عملکرد و یا رضایت خاطر حاصل از انجام کارها به‌نحو احسن، به رقابت روی می‌آورند.

فرانکن (۱۹۹۵، ۱۹۹۶) به‌منظور بررسی دلایل تمایل افراد به رقابت‌جویی تحقیقاتی در این زمینه انجام داده است. وی معتقد است حداقل سه فرض اساسی برای چرایی تمایل برخی افراد به موقعیت‌های رقابت‌آمیز می‌توان ارائه داد: دلیل اول این است که تقریباً در هر موقعیت رقابت‌آمیزی هم برنده وجود دارد و هم بازنده؛ بنابراین، اگر فردی بخواهد برنده باشد باید در مقابل دیگران به رقابت شدید پردازد. دلیل دوم این است که تمایل افراد به موقعیت‌های رقابت‌آمیز ممکن است به‌خاطر وجود پاره‌ای از الگوها و یا موقعیت‌هایی باشد که مهارت آنها را افزایش می‌دهند. به‌عبارت دیگر، موقعیت رقابت‌آمیز ممکن است شرایط مطلوبی برای بهبود عملکرد فرد فراهم آورد. سومین دلیلی که ممکن است افراد به‌خاطر آن تمایل به موقعیت‌های رقابت‌آمیز داشته باشند این است که چنین موقعیت‌هایی می‌توانند نقش یک عامل یا منبع انگیزشی را ایفا کنند.

از دیدگاه فرانکن (۱۹۹۶)، افرادی که نیاز شدید به برنده شدن را احساس می‌کنند، جهان را بیشتر با دیدی منفی می‌بینند. نیاز شدید به برنده شدن در آنها حداقل تا حدودی ناشی از این ترس است که آنها احساس می‌کنند در جهانی زندگی می‌کنند که حالتی خصمانه در آن وجود دارد و تنها راه بقا، برنده شدن یا پیروزی بر دیگران است. این افراد به‌جای آنکه سعی کنند از طریق مهارت‌یابی و کار به اهداف و آرزوهای خود نائل شوند، سعی می‌کنند با کسب حداکثر آنچه که می‌توانند به‌دست آورند، به این پیروزی و بقا برسند. این فرضیات مبتنی بر یافته‌هایی است که نشان می‌دهد افرادی که نیاز شدید به برنده شدن احساس می‌کنند، بیشتر گرایش به زورمندی / پرخاشگری<sup>۱</sup>

دارند و نسبت به افرادی که تکالیف دشوار را ترجیح می‌دهند و یا افرادی که در پی انجام دادن کارها به نحو احسن هستند از چاره‌جویی و ابتکار عمل<sup>۱</sup> کمتری برای رسیدن به هدف برخوردارند. لزوم بررسی و شناسایی انگیزه‌ها و عوامل روی آوردن افراد، به‌ویژه دانش‌آموزان، به رقابت و هدایت و تقویت انگیزه‌های سالم در جهت شکوفایی امکانات بالقوه افراد در زمینه تعلیم و تربیت، ورزش، کار و سایر حیطه‌ها ایجاب می‌نماید که جهت شروع پژوهش‌های روان‌شناختی در این زمینه گام‌هایی برداشته شود.

لذا، این پژوهش با هدف بررسی عوامل رقابت‌جویی، تفکیک آنها به‌روش روان‌سنجی، بررسی رابطه بین عامل‌ها، و رابطه آنها با پیشرفت تحصیلی انجام شده است. با توجه به هدف‌های پژوهش و با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیقات گذشته در این زمینه، فرضیه‌های پژوهش به ترتیب ذیل تدوین گردیده‌اند.

- ۱- رقابت‌جویی شامل عوامل مختلفی است.
  - ۲- بین آزمودنی‌های پسر و دختر از نظر عوامل رقابت‌جویی تفاوت وجود دارد.
  - ۳- بین عوامل تشکیل دهنده رقابت‌جویی رابطه وجود دارد.
  - ۴- بین عامل مربوط به برنده شدن و عمل کردن به نحو احسن رابطه معکوس وجود دارد.
  - ۵- بین عامل برنده شدن با پیشرفت تحصیلی رابطه معکوس وجود دارد.
  - ۶- بین پیشرفت تحصیلی با عامل مربوط به عمل کردن به نحو احسن رابطه مستقیم وجود دارد.
  - ۷- بین پیشرفت تحصیلی و عامل بهبود بخشیدن به عملکرد رابطه مستقیم وجود دارد.
- پژوهش حاضر بیشتر دارای ماهیت اکتشافی است و هدف اصلی آن بررسی تأثیر متغیری بر متغیر دیگر نیست. اما، با توجه به محتوای برخی فرضیه‌ها، به منظور پاسخ‌گویی به فرضیه‌هایی که در مورد رابطه عوامل با پیشرفت تحصیلی مطرح شده‌اند،

می‌توان عوامل رقابت‌جویی را به عنوان متغیر مستقل، پیشرفت تحصیلی را به عنوان متغیر وابسته، و جنسیت را به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در مد نظر قرار داد.

### روش

در این پژوهش، جامعه آماری شامل مجموع دانش‌آموزان پسر و دختر آموزش متوسطه مناطق آموزشی شهر تهران است که در آموزشگاه‌های دولتی مشغول تحصیل بوده‌اند. در این تحقیق، با توجه به قصد محقق مبنی بر انجام تحلیل عاملی از یک گروه نمونه نسبتاً بزرگ (۴۰۰ نفر) استفاده شده است. به منظور انتخاب آزمودنی‌ها، مناطق آموزش و پرورش تهران با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی و امکانات آموزشی آنها، به چهار گروه تقسیم شدند. سپس، در هریک از این گروه‌ها، یک منطقه به روش تصادفی انتخاب شد (مناطق آموزشی ۱، ۸، ۹ و ۱۵). در هریک از این مناطق نیز یک آموزشگاه پسرانه و یک آموزشگاه دخترانه به روش تصادفی برگزیده شد. آخرین مرحله از فرآیند انتخاب آزمودنی‌ها، تعیین کلاس‌ها به عنوان واحد نمونه‌برداری بود. در این مرحله، در هریک از آموزشگاه‌های پسرانه و دخترانه، دو کلاس (در مجموع شانزده کلاس) به روش تصادفی انتخاب شد. پس از اجرای پرسشنامه و حذف موارد ناقص و مخدوش، در نهایت تعداد چهارصد آزمودنی به تعداد مساوی از هر دو جنس در تجزیه و تحلیل نهایی شرکت داده شدند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه رقابت‌جویی / چیرگی‌یابی<sup>۱</sup> (CMQ) فرانکن (۱۹۹۵) است. فرانکن در پژوهش خود به منظور بررسی امکان تفکیک و تمایز انگیزه‌های مختلف رقابت‌جویی از لحاظ روان‌سنجی، اقدام به تحلیل عاملی آن پرسشنامه کرد. نتایج تحلیل عاملی وی در مورد این مقیاس که از طریق روش واریمکس<sup>۲</sup> (نوعی روش چرخش عوامل استخراج شده که در آن، ستون‌های ماتریس ساده می‌شوند) به عمل

1- Competitive/Mastery Questionnaire

2- Varimax

آمد و به استخراج پنج عامل مجزا منجر شد. در آن پژوهش چهار عامل اول (با بارهای عاملی<sup>۱</sup> بیشتر از ۰/۳) تقریباً ۴۶/۶٪ از واریانس کل را تبیین کردند.

پنج عامل استخراج شده وی که مربوط به آزمودنی‌های مذکر است به ترتیب ذیل نام‌گذاری شده‌اند.

۱- رضایت خاطر ناشی از دستیابی به بهبود در عملکرد.

۲- اشتیاق به برنده شدن.

۳- انگیزش برای تلاش و کوشش در موقعیت‌های رقابت‌آمیز.

۴- رضایت خاطر حاصل از انجام کارها به نحو احسن.

۵- ترجیح دادن تکالیف دشوار.

در تحقیق فرانکن، تعداد ۲۲ سؤال دارای اعتبار<sup>۲</sup> مناسب به عنوان سؤال‌های فرم نهایی حفظ شده‌اند. میزان اعتبار عامل‌های به دست آمده به ترتیب ۰/۴۸، ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۶۸ و ۰/۵۵ است. در پژوهش حاضر ابتدا سؤال‌های پرسشنامه به فارسی برگردانده شد. سپس، سؤال‌ها از نظر ترتیب به صورت تصادفی در پرسشنامه قرار داده شد. نحوه پاسخ‌گویی به سؤال‌ها به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای است. در استخراج داده‌ها، برای هر آزمودنی ۲۲ نمره مستقل به دست آمد که در تحلیل عاملی از آنها استفاده شد. برای پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آماری تحلیل عاملی<sup>۳</sup>، محاسبه اعتبار و همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. به منظور تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی<sup>۴</sup> و برای چرخش عامل‌ها از روش‌های متعامد<sup>۵</sup> و متمایل<sup>۶</sup> استفاده شد.

---

1- Factor Loading  
2- Reliability  
3- Factor Analysis  
4- Principal Components  
5- Orthogonal  
6- Oblique

### یافته‌ها

تحلیل عاملی داده‌های مربوط به آزمودنی‌های دختر و پسر به صورت مجزا صورت گرفت. نتایج تحلیل عاملی گروه پسران که به روش مؤلفه‌های اصلی صورت گرفته است به استخراج هفت عامل با ارزش ویژه<sup>۱</sup> بزرگ‌تر از یک منجر شد. سپس عامل‌های استخراج شده با استفاده از روش‌های چرخش متعامد و متمایل به محورهای جدید انتقال داده شد تا تفسیر روشن‌تری از عامل‌ها به دست آید. نتایج تحلیل عاملی این گروه پس از چرخش متعامد و نام‌گذاری عامل‌ها، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه رقابت‌جویی گروه پسران پس از چرخش متعامد و نام‌گذاری عامل‌ها

ردیف	سؤال	بارعاملی	شماره عامل	نام عامل
۱	۱۲	۰/۷۹۱	۱	انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت
۲	۱	۰/۷۱۳		
۳	۷	۰/۶۹۸		
۴	۴	۰/۶۸۳		
۵	۱۹	۰/۵۲۶		
۶	۲۱	۰/۵۰۶	۲	خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن
۷	۲۲	۰/۶۸۴		
۸	۲	۰/۶۷۱		
۹	۶	۰/۵۱۴		
۱۰	۸	۰/۴۵۰		
۱۱	۱۶	۰/۶۳۳	۳	اشتیاق به برنده شدن
۱۲	۱۰	-۰/۶۱۳		
۱۳	۹	۰/۵۵۹		
۱۴	۱۵	۰/۵۰۹		
۱۵	۱۳	۰/۴۷۴		

نتایج این جدول نشان می‌دهد که از مجموع سؤال‌های پرسشنامه، تعداد سه عامل بامعنا و قابل تفسیر به دست آمده است. پس از چرخش عامل‌ها به روش متعامد، عامل‌ها با استفاده از روش چرخش متمایل نیز به محورهای جدید انتقال یافت تا امکان مقایسه نتایج حاصل از هر دو روش و بررسی همبستگی بین عامل‌ها فراهم شود. نتایج مربوط به استخراج و چرخش متمایل عامل‌های این گروه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه رقابت‌جویی گروه پسران پس از چرخش متمایل و نام‌گذاری عامل‌ها

ردیف	سؤال	بارعاملی	شماره عامل	نام عامل
۱	۱۲	/۷۹۹	۱	انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت
۲	۷	/۷۴۷		
۳	۱	/۷۲۷		
۴	۴	/۶۶۲		
۵	۱۹	/۵۱۸		
۶	۲۱	/۴۷۹		
۷	۲	/۷۰۷	۲	خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن
۸	۲۲	/۶۵۵		
۹	۶	/۴۴۶		
۱۰	۸	/۴۱۶		
۱۱	۵	/۸۱۷	۷	اشتیاق به برنده شدن
۱۲	۱۵	-/۵۳۹		
۱۳	۱۱	/۵۲۷		
۱۴	۱۳	-/۴۹۷		
۱۵	۲۰	-/۴۶۷		

سؤال‌های مربوط به هر عامل به ترتیب اهمیت بار عاملی در جدول قرار گرفته‌اند. در هر دو روش چرخش، بین دو عامل اول شباهت کامل وجود دارد. این عامل‌ها از سؤال‌های واحدی تشکیل شده‌اند.

اما، هرچند که سؤال‌های تشکیل دهنده عامل چهارم چرخش متعامد و هفتم چرخش متمایل از نظر محتوا مربوط به تمایل و اشتیاق به برنده شدن هستند اما، سؤال‌های این دو عامل با هم تطابق کامل ندارند.

نتایج تحلیل عاملی گروه دختران که با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش‌های متعامد و متمایل به دست آمده است، منجر به استخراج شش عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک شد.

نتایج مربوط به چرخش متعامد عامل‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود. در این گروه از شش عامل به دست آمده، چهار عامل، قابل تفسیر و معنادار تشخیص داده شده است.

عوامل رقابت‌جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی / ۵۷

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه رقابت‌جویی گروه دختران پس از چرخش متعامد و نام‌گذاری عامل‌ها

نام عامل	شماره عامل	بارعاملی	سؤال	ردیف
انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت	۱	۰/۷۶۹	۷	۱
		۰/۷۵۶	۴	۲
		۰/۷۴۲	۱	۳
		۰/۵۹۲	۱۹	۴
		۰/۷۸۶	۱۲	۵
رضایت خاطر ناشی از حصول بهبود در عملکرد	۲	۰/۶۵۰	۲۲	۶
		۰/۶۳۱	۳	۷
		۰/۵۷۵	۱۰	۸
		۰/۵۴۷	۵	۹
		۰/۵۳۶	۲	۱۰
		۰/۵۲۸	۱۱	۱۱
اشتیاق به برنده شدن	۳	۰/۷۳۹	۱۶	۱۲
		۰/۷۳۲	۲۰	۱۳
		۰/۵۷۳	۱۵	۱۴
		۰/۵۶۸	۱۳	۱۵
ترجیح دادن تکالیف دشوار	۴	۰/۶۸۲	۸	۱۶
		۰/۶۶۵	۱۴	۱۷
		۰/۴۵۲	۶	۱۸

در این گروه از مجموع سؤال‌ها، تعداد چهار عامل بامعنا به دست آمده است. از روش متمایل نیز برای چرخش عامل‌های استخراج شده استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل عاملی رقابت‌جویی گروه دختران پس از چرخش متمایل و نام‌گذاری عامل‌ها

نام عامل	شماره عامل	بارعاملی	سؤال	ردیف
انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت	۱	۰/۷۹۹	۱۲	۱
		۰/۷۶۷	۷	۲
		۰/۷۵۰	۴	۳
		۰/۵۳۶	۱	۴
		۰/۶۰۷	۱۹	۵
رضایت خاطر ناشی از حصول بهبود در عملکرد	۲	۰/۶۵۱	۳	۶
		۰/۶۱۸	۲۲	۷
		۰/۵۷۸	۵	۸
		۰/۵۴۲	۱۰	۹
		۰/۵۲۴	۱۱	۱۰
		۰/۵۱۳	۲	۱۱
ترجیح دادن تکالیف دشوار	۳	-۰/۷۰۲	۸	۱۲
		-۰/۶۶۳	۱۴	۱۳
		-۰/۴۶۶	۶	۱۴
اشتیاق به برنده شدن	۴	۰/۷۵۹	۱۶	۱۵
		۰/۷۵۳	۲۰	۱۶
		۰/۶۳۱	۱۵	۱۷
		۰/۶۰۷	۱۳	۱۸

همان‌گونه که از بررسی جدول‌های بالا مشخص می‌شود، گروه پسران و دختران در دو عامل از عامل‌های استخراج شده مشترک و مشابه‌اند. این عامل‌ها تحت عناوین «انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت» و «اشتیاق به برنده شدن» نام‌گذاری شده‌اند. بنابراین، از نظر تشکیل عامل، در زمینه‌های مذکور تفاوتی وجود ندارد، و می‌توان این عامل‌ها را به‌عنوان عامل‌هایی کلی و عمومی مورد استفاده قرار داد.

به منظور فراهم کردن امکان پاسخ‌گویی به برخی فرضیه‌های پژوهش، داده‌های مربوط به هر دو گروه با هم ترکیب شد و برای کل آزمودنی‌ها به‌عنوان یک گروه تحلیل عاملی به عمل آمد. در استخراج عامل‌ها، تعداد شش عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک به‌دست آمد؛ سپس چرخش عامل‌ها به‌روش متعامد و متمایل صورت گرفت. نتایج مربوط به چرخش متعامد گروه کل در جدول ۵ مشاهده می‌شود. در این گروه نیز از شش عامل چرخش یافته، چهار عامل، قابل تفسیر و معنادار تشخیص داده شد.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه رقابت‌جویی گروه کل پس از چرخش متعامد و نام‌گذاری عامل‌ها

ردیف	سؤال	بارعاملی	شماره عامل	نام عامل
۱	۱۲	/۸۰۸	۱	انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت
۲	۱	/۷۴۱		
۳	۴	/۷۲۸		
۴	۷	/۷۲۵		
۵	۱۹	/۵۳۵		
۶	۱۶	/۷۱۲	۲	اشتیاق به برنده شدن
۷	۱۵	/۶۹۷		
۸	۱۳	/۶۸۷		
۹	۲۰	/۶۰۶		
۱۰	۹	/۴۴۴	۳	خشنودی ناشی از عمل کردن به‌نحو احسن
۱۱	۲۲	/۶۷۰		
۱۲	۲	/۶۰۲		
۱۳	۱۱	/۵۷۳		
۱۴	۳	/۵۳۹		
۱۵	۶	/۵۰۶	۴	ترجیح دادن تکالیف دشوار
۱۶	۱۴	/۶۴۵		
۱۷	۲۱	/۶۰۲		
۱۸	۸	/۵۸۹		

پس از استخراج و چرخش عامل‌ها به‌روش متعامد، با استفاده از روش چرخش متمایل، عامل‌ها به محورهای جدید انتقال داده شدند. در چرخش متمایل نیز چهار عامل قابل تفسیر و مشخص به‌دست آمد. این عامل‌ها تقریباً معادل عامل‌هایی هستند که در



روش چرخش متعامد به دست آمده است. نتایج مربوط به عامل‌های حاصل از چرخش متمایل گروه کل در جدول ۶ ارائه شده است.

اولین عامل مربوط به گروه کل با اولین عامل به دست آمده برای دو گروه به صورت مستقل، یکسان است. عامل دوم این گروه در روش متعامد و عامل چهارم روش متمایل قبلاً در نتایج تفکیک شده گروه‌ها به دست آمده است و تحت عنوان «اشتیاق به برنده شدن» نام‌گذاری شده است. عامل‌های سوم چرخش متعامد و دوم چرخش متمایل تقریباً یکسان هستند و عنوان «خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن» برای آنها انتخاب شده است. عامل‌های چهارم روش متعامد و سوم روش متمایل نیز «ترجیح دادن تکالیف دشوار» نام‌گذاری شده‌اند. تفاوت قابل مشاهده در نتایج چرخش متعامد و متمایل این گروه، تغییر ترتیب عامل‌ها است.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه رقابت‌جویی گروه کل پس از چرخش متمایل و نام‌گذاری

ردیف	سؤال	بارعاملی	شماره عامل	نام عامل
۱	۱۲	/۸۲۴	۱	انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت
۲	۱	/۷۵۰		
۳	۴	/۷۴۰		
۴	۷	/۷۳۱		
۵	۱۹	/۵۲۶		
۶	۲۲	/۶۷۵	۲	خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن
۷	۲	/۵۸۹		
۸	۳	/۵۵۵		
۹	۱۱	/۵۱۶		
۱۰	۶	/۴۹۱		
۱۱	۱۴	-/۶۳۸	۳	ترجیح دادن تکالیف دشوار
۱۲	۲۱	-/۶۰۶		
۱۳	۸	-/۵۶۹		
۱۴	۱۶	/۷۴۱	۴	اشتیاق به برنده شدن
۱۵	۱۵	/۶۸۰		
۱۶	۱۳	/۶۵۴		
۱۷	۲۰	/۵۷۳		

اولین فرضیه پژوهش حاضر، وجود عوامل مختلف در رقابت‌جویی است. چنان‌که داده‌های جدول‌های ۱ تا ۴ نشان می‌دهند، برای گروه پسران سه عامل و برای گروه دختران چهار عامل قابل تفسیر به دست آمده است. بنابراین، اولین فرضیه پژوهش مبنی

بر وجود عامل‌هایی در رقابت‌جویی، در هر دو گروه پسران و دختران تأیید شد.

دومین فرضیه پژوهش مربوط به تفاوت آزمودنی‌های دختر و پسر در عامل‌های به‌دست آمده است. با توجه به نتایج جدول‌های ۱ تا ۴ در گروه پسران هفت عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک که سه عامل آن قابل تفسیر تشخیص داده شده‌اند، به‌دست آمده است. اما، در گروه دختران شش عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک که چهار عامل آن قابل تفسیر تشخیص داده شده‌اند، تشکیل شده است. این تفاوت‌ها و نیز تفاوت در ترتیب و محتوای برخی از عامل‌های دو گروه، مؤید فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود تفاوت بین دو گروه از نظر عامل‌های به‌دست آمده است.

بررسی امکان تأیید یا رد فرضیه‌های سوم تا هفتم پژوهش مستلزم در اختیار داشتن همبستگی بین عامل‌های به‌دست آمده است. این همبستگی‌ها در روش چرخش متمایل که فرض همبستگی بین عامل‌ها پذیرفتنی است، به‌دست می‌آیند. نتایج آزمون همبستگی این عامل‌ها و همچنین رابطه آنها با پیشرفت تحصیلی، برای گروه پسران در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷: نتایج آزمون همبستگی بین عامل‌های رقابت‌جویی و پیشرفت تحصیلی در گروه پسران

متغیرها	پیشرفت تحصیلی	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶
عامل ۱	۱۹۴**						
عامل ۲	-۰۴۲	۱۵۰*					
عامل ۳	-۰۰۱	۰۵۹	-۰۵۵				
عامل ۴	-۰۹۳	۰۰۴	۰۵۰	-۰۷۳			
عامل ۵	۰۹۲	-۰۳۰	۰۹۷	-۱۶۴*	۰۸۰		
عامل ۶	۱۴۶°	۱۵۹°	۱۴۵°	۰۶۴	-۰۱۷	-۰۴۲	
عامل ۷	-۰۶۲	-۲۳۷**	۱۰۱	-۱۱۷	۱۲۷	۱۲۰	-۰۶۹

\*:  $P < 0/05$       \*\*:  $P < 0/01$

سومین فرضیه پژوهش به رابطه بین عامل‌های رقابت‌جویی اشاره دارد. بررسی جدول ۷ نشان می‌دهد که بین عامل‌های ۱ و ۲، ۳ و ۵، ۱ و ۶، و ۲ و ۶ (در سطح اطمینان ۰/۹۵)، و عامل‌های ۱ و ۷ (در سطح اطمینان ۰/۹۹)، رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین،

سومین فرضیه پژوهش در گروه پسران تأیید می‌شود.

جدول ۸ نتایج مربوط به همبستگی عامل‌های رقابت‌جویی در گروه دختران را نشان می‌دهد. نتایج این جدول مبین آن است که بین عامل‌های ۱ و ۴، ۱ و ۶، و ۲ و ۶، همبستگی معنادار (در سطح اطمینان ۰/۹۹) وجود دارد. با توجه به این نتایج، سومین فرضیه پژوهش در گروه دختران نیز تأیید می‌شود.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون همبستگی بین عامل‌های رقابت‌جویی و پیشرفت تحصیلی در گروه دختران

متغیرها	پیشرفت تحصیلی	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
عامل ۱	/۱۵۷					
عامل ۲	/۱۴۶ <sup>~</sup>	/۰۸۳				
عامل ۳	-/۰۲۰	-/۰۴۰	-/۱۰۶			
عامل ۴	/۰۴۷	/۲۵۹ <sup>***</sup>	-/۱۳۱	/۰۸۹		
عامل ۵	-/۲۵۲ <sup>***</sup>	/۰۹۹	-/۰۱۹	/۰۹۱	-/۰۴۵	
عامل ۶	-/۰۷۱	/۱۷۳ <sup>***</sup>	/۱۹۵ <sup>***</sup>	/۰۰۰	/۰۳۷	-/۰۸۸

\*:  $P < 0/05$       \*\*:  $P < 0/01$

چهارمین فرضیه پژوهش بر وجود رابطه معکوس بین عامل‌های مربوط به «تمایل به برنده شدن» با «خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن» اشاره دارد. در گروه پسران (جدول ۷) عامل‌های دوم و هفتم دارای همبستگی ۰/۱۰۱ هستند که رابطه معناداری نیست و فرضیه سوم در این گروه رد می‌شود. در گروه دختران با توجه به عدم تشکیل یکی از دو عامل مورد بحث، امکان تأیید یا رد فرضیه سوم وجود ندارد.

در پنجمین فرضیه پژوهش به وجود رابطه معکوس بین عامل مربوط به «تمایل به برنده شدن» با پیشرفت تحصیلی اشاره شده است. بررسی جدول‌های ۷ و ۸ نشان می‌دهد که این رابطه در گروه پسران منفی (-/۰۶۲) و در گروه دختران مثبت (/۰۴۷) است. اما، در هیچ‌یک از گروه‌ها این رابطه معنادار نیست و فرضیه پنجم در هر دو گروه رد شده است.

با توجه به اینکه عامل مربوط به «خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن» در تحلیل عاملی گروه دختران به شکل مورد نظر به وجود نیامده است، امکان بررسی

فرضیه ششم در این گروه وجود ندارد؛ اما، نتایج گروه پسران نشان می‌دهد که رابطه بین این عامل (عامل دوم) و پیشرفت تحصیلی، رابطه معناداری، نیست.

آخرین فرضیه مطرح شده، وجود رابطه مستقیم بین پیشرفت تحصیلی و عامل مربوط به «خشنودی حاصل از ایجاد بهبود در عملکرد» است. این عامل در گروه پسران تشکیل نشده است. اما، در گروه دختران بین این عامل (عامل دوم) و پیشرفت تحصیلی در سطح اطمینان ۰/۹۵ همبستگی معنادار وجود دارد و فرضیه هفتم پژوهش را تأیید می‌کند.

در هر دو گروه آزمودنی‌ها، بین پیشرفت تحصیلی و عامل اول که اهمیت انگیزش برای تلاش و کوشش را نشان می‌دهد، همبستگی مثبت معنادار ( $P < 0/05$ ) برای پسران و ( $P < 0/01$ ) برای دختران وجود دارد. اما، بین پیشرفت تحصیلی و عامل مربوط به «اشتیاق به برنده شدن» در هیچ‌یک از گروه‌ها رابطه معنادار به دست نیامده است.

علاوه بر انجام محاسبات تحلیل عاملی، میزان اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان این ضریب برای گروه پسران ۰/۶۷۳، و برای گروه دختران ۰/۷۱۳ به دست آمد. در بین سؤال‌های پرسشنامه، کمترین واریانس مشاهده شده در هر دو گروه مربوط به سؤال ۳، و بیشترین واریانس متعلق به سؤال ۵ است؛ و معنای آن این است که سؤال ۳ قابلیت زیادی در ایجاد تمایز بین افراد و گروه‌ها ندارد. در مورد سؤال ۵ نیز به این معنا خواهد بود که بین افراد از این نظر که نتایج خود را با دیگران مقایسه کنند یا خیر، پراکندگی و تفاوت زیادی وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

یکی از شواهد حاکی از وجود تمایلات متفاوت در افراد برای روی آوردن به رقابت‌جویی، نتایج تحلیل عاملی داده‌های حاصل از پرسشنامه رقابت‌جویی است. در این پژوهش، تحلیل عاملی داده‌های آزمودنی‌های دختر و پسر منجر به استخراج سه عامل قابل تفسیر و روشن در گروه پسران و چهار عامل در گروه دختران شد. این تفاوت در تعداد عامل‌های به‌دست آمده و نوع عامل‌های هر یک از گروه‌ها، مبین تفاوت بین دو جنس از نظر رفتارهای رقابت‌جویی است. نتایج تحقیقات گذشته (فرانکن، ۱۹۹۵) نیز مؤید تفاوت در تعداد عامل‌های به‌دست آمده برای افراد مذکر و مؤنث است.

نتایج همبستگی بین عامل‌ها در هر دو گروه نشان داد که بین عامل‌های مربوط به اشتیاق به برنده شدن و «انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت» همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. بنابراین، وقتی افراد به قصد برنده شدن در رقابت شرکت می‌کنند دارای برانگیختگی زیادی برای فعالیت در تکلیف مربوط به رقابت هستند.

نتایج برخی پژوهش‌ها (فرانکن، ۱۹۹۵؛ ۱۹۹۶) نشان می‌دهد که افراد دارای سوگیری «برنده محور»، توانایی مقابله با استرس را ندارند. به عکس، کسانی که نمره بالایی در مقیاس‌های مربوط به «عمل کردن به‌نحو احسن»، «ترجیح دادن تکالیف دشوار» و «حرمت - خود» کسب کرده بودند از مهارت‌های مقابله‌ای فعال برخوردار بودند. در آن پژوهش، افرادی که نیاز شدیدی به برنده شدن احساس می‌کردند در مواجهه با استرس از مقابله با آن خودداری می‌کردند. بنابراین، تشویق و ترویج چنین الگویی به‌ویژه در فعالیت‌هایی مانند تحصیل که عملکرد فوری و موقت فرد، مورد نظر نیست، بلکه هدف، ایجاد نوعی رغبت و تمایل درونی به عمل است، مناسب به نظر نمی‌رسد.

بین گروه دختران و پسران از نظر نوع عامل‌های به‌دست آمده نیز تفاوت وجود

دارد. در حالی که در گروه پسران عامل «خشنودی ناشی از عمل کردن به نحو احسن» به وجود آمده است، در گروه دختران عامل «خشنودی ناشی از ایجاد بهبود در عملکرد» شکل گرفته است. از این دو عامل، عامل اول با به کار بردن حداکثر تلاش فرد مرتبط است؛ اما، در عامل دوم، توجه به بهتر شدن عملکرد فرد بدون توجه به اینکه دیگران نتیجه بهتری به دست آورده باشند، مورد نظر است. این عامل از نظر محتوای سؤال‌های تشکیل دهنده آن تقریباً نقطه مقابل عامل مربوط به «اشتقاق به برنده شدن» است. به همین دلیل، بین آنها همبستگی منفی وجود دارد.

با توجه به نظریه‌های مطرح شده در خصوص انگیزش درونی و بیرونی، و جهت گیری این عامل‌ها، احتمالاً عامل «اشتقاق به برنده شدن» با انگیزش بیرونی، و عامل «خشنودی ناشی از ایجاد بهبود در عملکرد» با انگیزش درونی مرتبط‌اند. بنابراین، پسران بیشتر به حداکثر نتیجه می‌اندیشند ولی دختران به صورت محتاطانه‌تر به تغییر و بهبود تدریجی نظر دارند.

با توجه به عدم وجود همبستگی بین عامل مربوط به «اشتقاق به برنده شدن» و پیشرفت تحصیلی، به نظر نمی‌رسد که ایجاد جهت گیری «برنده‌محور» به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. همچنین نظر به اینکه در هر دو گروه بین عامل مربوط به «انگیزش برای تلاش و کوشش در رقابت» و پیشرفت تحصیلی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد، و در گروه دختران، این رابطه با عامل مربوط به «خشنودی ناشی از حصول بهبود در عملکرد» نیز به دست آمده است، بنابراین، بهتر است به جای برانگیختن افراد برای برنده شدن، روحیه حصول بهبود در عملکرد و داشتن انگیزش برای تلاش و کوشش ترویج و تشویق شود.

## منابع و مأخذ

- 1- Alvares, C. M., & Pader, O. F. (1979). Cooperative and competitive behavior of Cuban-American and Anglo-American children. *Journal of Psychology*, 101, 265-271.
- 2- Amabile, T. M. (1982). Children artistic creativity: Detrimental effects of competition in a field setting. *Personality and Social Psychology, Bulletin*, 8, 573-578.
- 3- Chan, J. C. Y., & Lam, S., (2008). Effects of competition on students self-efficacy in vicarious learning. *British Journal of Educational Psychology*, 78, 95° 108
- 4- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination*; New York: Plenum Press.
- 5- Deutsch, M. (1949). A theory of cooperation and competition. *Human-Relations*, 2, 129-152.
- 6- Feshbach, S., Weiner, B. (1991). *Personality (3rd-ed)*; Lexington: D.C. Heath and Company.
- 7- Franken, R. E., & Brown, D. J. (1995). Why do people like competition? The motivation for winning, putting forth effort, improving one performance, performing well, being instrumental, and expressing forceful/aggressive behavior; *Personality and Individual Differences*, 19, 175-184.
- 8- Franken, R. E., & Brown, D. J. (1996). The need to win is not adaptive: The need to win, coping strategies, hope and self-esteem; *Personality and Individual Differences*, 20, 805-808.
- 9- James, N. L., & Johnson, D. W. (1983). The relationship between attitudes toward social interdependence and psychological health with three criminal populations; *Journal of Social Psychology*, 121, 131-143.
- 10- Knight, G. P., & Kagan, S. (1977). Development of prosocial and competitive behaviors in Anglo-American and Mexican-American children; *Child Development*, 48, 1385-1394.
- 11- Kohn, A. (1986). *No contest: the case against competition*; Boston: Houghton Mifflin.
- 12- Lam, S-F., Yim, P-S., Law, J. S. F., & Chenug, R. W. Y. (2004). The effects of competition on achievement motivation in Chinese classrooms; *British Journal of Educational Psychology*, 74, 281-296.
- 13- Madsen, M. C. (1971). Cross-cultural differences in the cooperative and competitive behavior of young children; *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 2, 365-371.
- 14- Madsen, M. C., Yi, S. (1975). Cooperation and competition of urban and rural children in the republic of South Korea; *International Journal of Psychology*, 10, 269-274.
- 15- Marin, G., Mejia, B., & Oberle, C. D. (1975). Cooperation as a function of place of residence in Colombian children; *Journal of Social Psychology*, 95, 127-128.
- 16- Shapira, A., & Lombranz, J. (1972). Cooperative and competitive behavior of rural Arab children in Israel; *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 3, 353-359.
- 17- Thomas, D. R. (1975). Cooperation and competition among Polynesian and European children, *Child Development*, 46, 948-953.
- 18- Tripathi, K. N. (1992). Competition and intrinsic motivation. *Journal of Social Psychology*, 132, 709-715.
- 19- Vallerand, R. J., Gauvin, L., & Halliwell, W. (1986). Negative effects of competition on children intrinsic motivation; *Journal of Social Psychology*, 126, 649-657.

